

مشارکت شهروندان؛ کلید توسعه پایدار اجتماعی در محلات شهری

(مطالعه موردی: محله باغشاه شهر شیراز)

مهندس نهال اقتصادی*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۲۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۰۶/۱۳

چکیده

احیای محلات شهر و تقویت هرسه بعد پایداری در آنها، یکی از راهکارهای اصلی رسیدن به پایداری شهری محسوب می شود. تاکنون بیشترین توجه طرح های ساماندهی، بهسازی و بازسازی در ایران، پیرامون مسئله نوسازی کالبدی بوده و ساکنان به عنوان مخاطبان اصلی، نادیده گرفته شده اند.

حال این سوال مطرح است که «چرا طراحی فضاهای مردمی با مشارکت مردم صورت نمی پذیرد که چنین بازخوردهایی، دربر نداشته باشد؟ مشکلات اجرایی این گونه طرح ها به ویژه در ایران چیست؟»

در این راستا محله باغشاه شیراز به عنوان نمونه موردی پژوهش مورد توجه قرار گرفت. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی با استفاده از برداشت های میدانی و سوال از مردم در قالب پرسشنامه شامل بررسی های اجتماعی، جمعیتی، برداشت کالبدی و بررسی تصویر ذهنی ساکنان از محله با هدف تعیین میزان تمایل ساکنان در تهیه و اجرای طرح بهسازی و ارتقا کیفی زندگی بوده است تا راهکارهایی برای جلب مشارکت ساکنان به عنوان یکی از مهمترین الزامات دستیابی به پایداری اجتماعی محلات در توسعه شهری، ارائه شود.

واژه های کلیدی

محله پایدار، پایداری اجتماعی، محله باغشاه شیراز، مشارکت مردمی

مقدمه

منتج می شود.

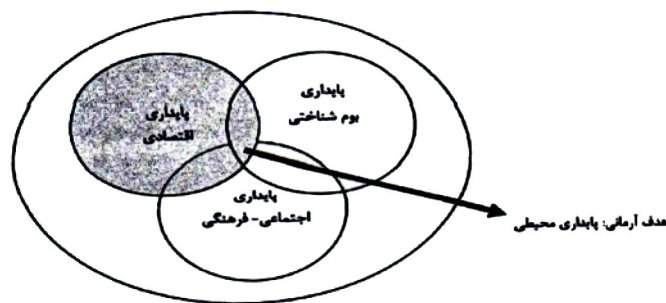
بحث های متعدد امروز مجامع علمی و تخصصی نیزموید این مطلب است که دلیل اصلی شکست طرح بهسازی وساماندهی محلات وعدم تحقق آنها در دوره پیش بینی شده، فقدان حضور ساکنان و بی توجهی به نیازهای مردم در تهیه و اجرای این گونه طرح ها بوده است. مسائلی مانند تنگناهای قانونی در زمینه مالکیت، برخورد متمرکز و غیرمشارکتی سازمان های مسئول و بی اعتنائی به مشارکت جامعه محلی ساکنان توسط مسئولان شهری نیز مزید بر علت گردیده، همگی باعث عدم موفقیت طرح ها گشته است.

پایداری مفهومی است که بیش از دو دهه در متون توسعه شهری وارد شده و بر نظریات، رویکردها و تجارب آن تاثیر گذاشته و به عنوان یک تفکر اخلاقی، برقراری تعادل زیستی را میان ارکان مختلف محیط، مینای عمل قرار داده است. نمود پایداری در عمل وابسته به سه زمینه اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست محیطی است که مثلث توسعه پایدار را تشکیل می دهد.

از سویی شهر به مثابه یک اندام وارده زنده و پویا است که همواره بخشی از آن در اثر عملکرد عوامل محل طبیعی، انسانی و اجتماعی طی زمان دچار فرسودگی یا تخریب می گردد (اصانلو، ۱۳۹۰). از این رو شهرسازان با آسیب شناسی شهرهای کنونی، راهکارهایی برای دستیابی به شهر پایدار ارائه نمودند. دستیابی به توسعه پایدار با دیدگاهی کل نگر و در مقیاس اجرایی محلی می تواند محقق شود. یک محله پایدار که خواهان سرزندگی و کیفیت است، به کاربران خود نیاز مبرم دارد. برای حضور هر چه بیشتر کاربران و تشویق آنان به مشارکت جمعی باید به خواسته ها و نظراتشان توجه شود. این نظرات با معیارهای تخصصی پایداری تجمیع شده و در نهایت اصول طراحی یک محله پایدار از آن

ابعاد نگرش پایداری

توسعه پایدار به نقل از بروکمن توسعه ای است که ارتقاء کیفیت مطلوب زندگی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را مدنظر قرار دهد. اگرچه این مفهوم عمدتاً بر پایه ابعاد اقتصادی استوار است، اما ارتباط تنگاتنگ با جامعه دارد. در اینجا دو جنبه مهم توسعه قابل ارائه است. اول آنکه توسعه باید در قالب عدالت اجتماعی باشد. به عبارتی، باید اطمینان حاصل شود تمامی افراد جامعه از حداقل سطح خدمات بهره مند شوند. دوم، به محدودیت ها در تولید و بازیافت مواد



شکل ۱. هدف آرمانی پایداری: تحقق هم زمان هر سه بعد پایداری (Source: Agenda 21 on sustainable construction, 1998)



شکل ۲. رابطه مطالعات شهری و نظام های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و سیاسی (ماخذ: شیرانی، ۱۳۸۲)

شمیرانی، ۱۳۸۳). دار کاکیس ابعاد مختلف توسعه پایدار شهری را به خوبی در قالب شکل ۳ ارائه کرده است.

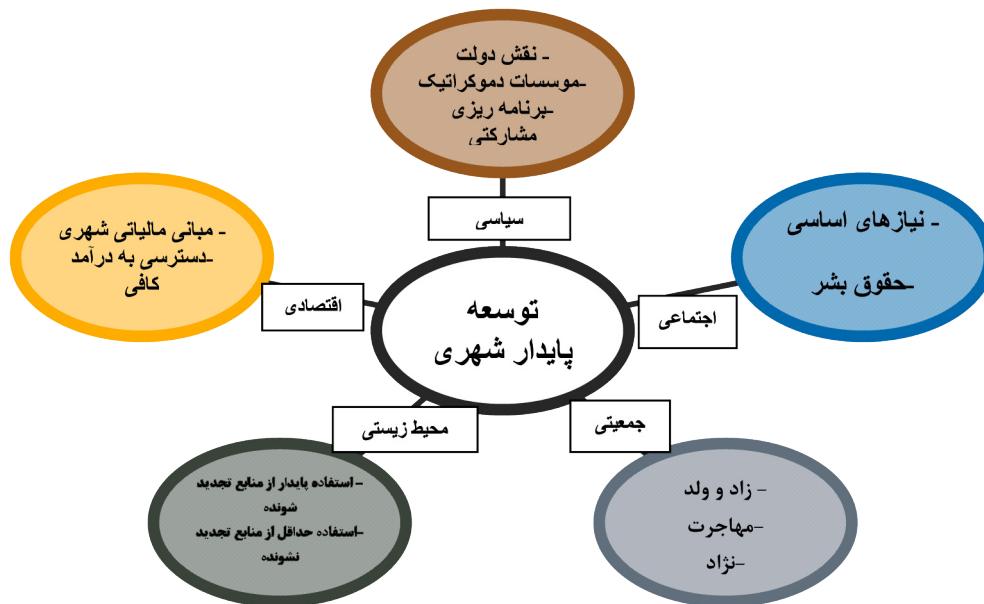
برنامه ریزی ممله- مینا

تحقق اصول پایداری در هر مقیاسی، صاحب نظران بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای دخیل در امر مدیریت و برنامه ریزی شهری در سطح جهانی را به سوی ترویج نگرش مشارکتی کشانده است. در این نگرش، به برنامه ریزی از «پایین به بالا» و توانمند سازی محلات شهری به منظور نظارت بر اقدامات توسعه ای تأکید شده است و تصمیم‌گیری و چاره اندیشی در مورد حل مسائل شهری مبتنی بر اجتماعات محله‌ای، با هدف تأمین شرایط لازم برای رفاه شهروندان مدنظر قرار گرفته است. حتی برخی از صاحب نظران در این رابطه از تحول در پارادایم شهر سخن به میان آورده اند. در حوزه مطالعات شهری شاید بتوان «جان فرید من» را به عنوان برجسته ترین نظریه پرداز عنوان نمود که ضرورت بازنگری در اندیشه برنامه ریزی و چرخش از سوی عرصه‌ها و سطوح کلان تصمیم گیری به جنبه‌های محلی و عرصه زندگی روزمره را مطرح نموده است. به اعتقاد وی چارچوب سنتی برنامه ریزی به منظور پاسخگویی متناسب با شرایط امروزه نیازمند تغییر و دگرگونی است. برنامه ریزی به عنوان دانش و

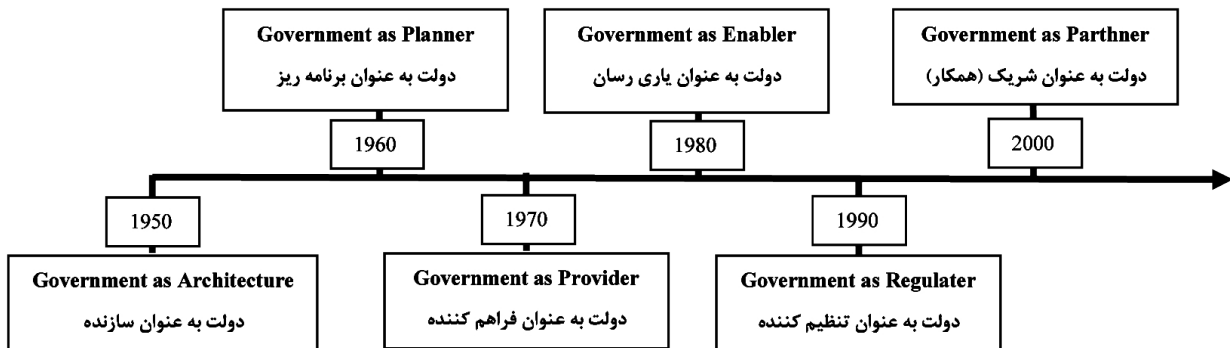
مصرف شده توجه شود. توسعه پایدار، توسعه ای است که تأمین کننده خدمات پایه در ابعاد زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی برای همه باشد، بدون تهدید و تخریب سیستم های طبیعی، مصنوعی و یا اجتماعی که این خدمات به آنها بستگی دارد (شکل ۱). این مفهوم نیازمند مدیریت ظرفیت ها برای محافظت، ساختن و نگهداری سیستم هایی است که تأمین کننده منابع این گونه خدمات هستند (عزیزی، ۱۳۸۰). با تکامل تعریف توسعه پایدار و ملحوظ شدن ابعاد اقتصادی و اجتماعی همراه آن، اصول دیگری نیز به شهر پایدار افزوده گردید (شکل ۲). الکین و همکارانش به سال ۱۹۹۱ در کتاب «باززنده سازی شهر» چهار اصل را مطرح نمودند. این چهار اصل عبارتند از: آینده نگری و نسل آینده، محیط زیست، برابری، مشارکت (Elkin et al., 1991).

دستیابی به پایداری اجتماعی در ممله ها و تعامل بین نسل ها و طبقات جامعه

شامل طراحی مردمی (در نظر گرفتن نیاز و سلیقه مردم)، کیفیت بخشی به فضاهای زیستی شهر و محله، ایجاد شبکه ای از فضاهای جمعی، ارزش گذاری به سنت های بومی شهر، اطلاع رسانی و آگاهی عمومی در مورد توسعه، ایجاد حس مسئولیت پذیری زیست محیطی، تشویق کاربری های مختلف و فن آوری های جمعی مناسب (مفیدی



شکل ۳. ابعاد توسعه پایدار شهری
(Source: Drakakis, 1995)



شکل ۴. دگرگونی در مفهوم و نقش دولت در برنامه ریزی بین دهه ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰
(Source: Alberley, 2003)

ارائه طرح ها و برنامه هایی که ارتباط و وابستگی بیشتری با نیاز و شرایط محلی اجتماعات دارد، می تواند به عنوان الگویی مطلوب در برنامه ریزی و مدیریت شهری مدنظر قرار گیرد.

مشارکت مردمی

از اصول محله پایدار می توان به مشارکت مردمی که زیر مجموعه بعد اجتماعی محله است، اشاره کرد. این اصل در معنای واقعی آن هدف قرار گرفته و شعار «برنامه ریزی توسط مردم» آرمان این نگرش است. آموختن از تجارب قبلی و نگرش سنتی «بالا به پایین» الگوی پایداری را به دست می دهد که تا حد زیادی متکی بر رویکرد «پایین به بالا» که رویکردی متفاوت با گذشته بوده، است. تغییر از یک نگاه «تجویزی به مشارکتی»، از وابستگی به منابع موجود به «ظرفیت سازی»، از توجه به راه حل های «دولت محور» به شیوه های حل مسئله با تأکید بر ابتکارات جامعه مدنی و از مساعدت و همیاری به مشارکت واقعی، ویژگی های الگوی توسعه پایدار است. این الگو، تأکیدی بنیادین بر نقش مردم، اجتماعات محلی و جامعه مدنی دارد (Oana, 2001). ویژگی های اصلی این بعد از پایداری محله که همان پایداری اجتماعی است، به شرح زیر است (حاجی پور، ۱۳۸۵):

مردم گرا بوده و شهروندان در مرکز و کانون توجه آن قرار دارند.

مشارکت جویانه و پاسخگو است.

کل نگر بوده و به جای نگرش های بخشی و سازمانی، همه جنبه های زندگی مردم را مورد ملاحظه قرار می دهد.

متکی بر توان ها و فرصت های موجود بوده و لزوماً متکی بر نیازها نیست (ظرفیت سازی).

فعالیتی که در ابعاد زمان و فضا رخ می دهد باید تغییر موضع دهد (Fridman, 1993). در چرخش از پارادایم ناپایدار به پایدار، تقویت و اهمیت نقش «سطوح محلی» و حضور انجمن ها و نهادهای مدنی در عرصه تصمیم گیری با تأکید بر نقش شهروندان و مشارکت واقعی آنها در عرصه فعالیت ها و اقدامات روزمره است. شکل ۴ سیر تحول نقش دولت در برنامه ریزی رانشان می دهد.

تأکید بر نقش محله ها و ظهور برنامه ریزی محله - مینا به گونه ای دیگر و در راستای سیاست ها و خط مشی های پیشنهادی سازمان ملل نیز دنبال شده است. در دومین همایش سکونتگاه های انسانی^۱ که به سال ۱۹۹۶ در استانبول برگزار شد، بر این نکته تأکید شد که جهان در ورود به قرن بیست و یکم با شهرهایی با ابعاد گسترده تری از نظر حجم مسائل کالبدی و تنوع مسائل اجتماعی و اقتصادی روبرو است و این تحولات، تمام افرادی را که با برنامه ریزی شهری و مدیریت شهری دخیل هستند، به چالش خوانده است. همچنین از تعریف مجدد رابطه بین دولت و جامعه به عنوان خط مشی جدید، سخن به میان آورد. این خط مشی، به تمرکز زدایی از وظایف و مسئولیت ها و تفویض اختیارات بیشتر از دولت مرکزی به دولت های محلی، برقراری روابط مشارکتی بین مردم و مسئولان در فرآیند توسعه شهری و تشریک مساعی مردم و محله ها توصیه نموده است (Mabogaunje, 1996).

با توجه به دیدگاه های مطروحه می توان عنوان نمود، الگوی جدید برنامه ریزی، مبتنی بر نقش مشارکتی مردم و اجتماعات محلی است. توجه به مشخصه هایی چون مشارکتی بودن، رویکرد فرآیندی به برنامه ریزی، افزایش کنترل مردم بر معیشت و زندگی روزمره و

محلّه ای، آمادگی محلّه ای، انباشت سرمایه اجتماعی، مدیریت از پایین، مشارکت شهروندی، رویکرد دارایی مبنا و در نهایت دستیابی به توسعه پایدار در ابعاد مختلف، مهمترین و اصلی ترین اهداف دنبال شده در اشاره به این رویکرد بوده است (حاجی پور، ۱۳۸۵). «آبرلی» در همین ارتباط به ابزارهایی اشاره می کند که در چارچوب دستیابی به اهداف برنامه ریزی مبتنی بر محلات می توانند به کار گرفته شوند. به اعتقاد وی ظرفیت سازی و توجه به مهارت فردی، تاکید و توسعه بر حاکمیت و نظارت شهروندی، تصمیم گیری مبتنی بر اجماع، آموزش اجتماعات محلی و برنامه ریزی و طراحی با توجه به اصول زیست منطقه گرایی برای دستیابی به توسعه پایدار از مهم ترین آنها است (Alberley, 2003).

دیدگاه ها در مورد مشارکت مردمی

مشارکت شهری به عنوان شرکت و حضور جدی، فعال، آگاهانه و ارادی، سازمان یافته و موثر افراد، گروه ها و سازمان های شهری در فعالیت های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری برای نیل به اهداف جمعی شهری است. البته ناگفته نماند این نوع «مشارکت» در قالب یک فعالیت سازمان یافته عملاً از سال ۱۹۶۰ مطرح شد اما تجربیات جهانی گواه حضور عینی آن در برنامه های توسعه شهری از سال ۱۹۸۰ و بعداز آن بوده است. امروزه مشارکت مردمی رمز اصلی موفقیت طرح های توسعه شهری و همچنین یکی از عوامل کلیدی ارزیابی عملکرد نظام مدیریتی شهری و ارکان آن

استفاده از رویکرد همکاری و تشریک مساعی بین دولت، بخش خصوصی و محلّه ها.

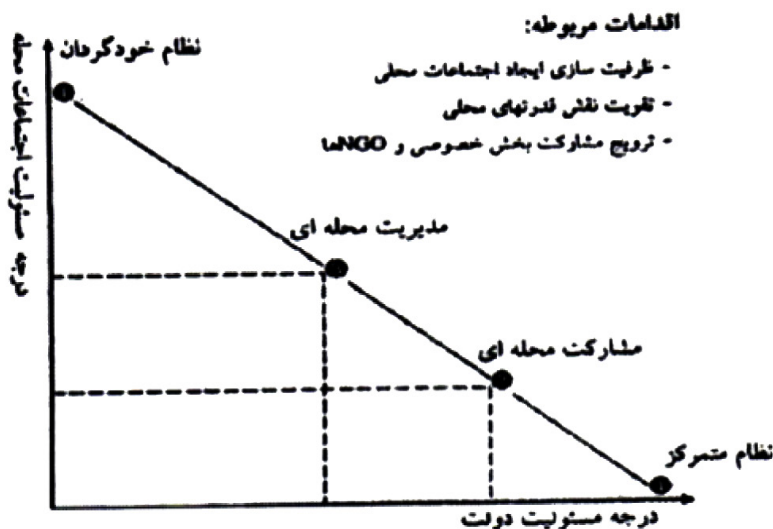
هر نوع اقدام مداخله ای در این نگرش، باملاحظه جنبه های پایداری (اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و نهادی) صورت می گیرد.

پویا و انعطاف پذیر است و فعالیت برنامه ریزی را به عنوان یک نگرش فرآیندی و یادگیری، مد نظر قرار می دهد.

در این رویکرد، دولت نقش هدایت، حمایت، مشورت و تشویق نهادهای محلی را برعهده دارد و هیچگونه تصمیم و سیاستی را از بالا دیکته نمی کند. چنانچه «آزبرن» و «گابلر» در همین رابطه به نقش سنتی دولت مبنی بر فراهم آوردن امکانات و میانجیگری بین مردم اشاره کرده و معتقدند که نقش دولت باید تعریف کننده مشکلات مردم و فراهم سازنده امکانات حل این مشکلات باشد.

در تعریف آنها تاکید بیشتر بر تصمیم گیری به جای دادن خدمات است. به عبارت دیگر دولت باید کمتر اجرا کند و بیشتر رهبری و هدایت کند (شکل ۵) (Osborne & Gaebler, 1993).

نتایج عملی شدن مشارکت مردم در محلّه آن است که اصول پایداری که هم چون زنجیر به یکدیگر متصل اند، نیز محقق می گردد. در این حالت مردم این احساس را خواهند داشت که جزئی از محلّه هستند، احساس مفید بودن و سودمندی کرده و توانایی آنها برای مشارکت واقعی در محلّه تقویت می گردد. علاوه بر آن، مردم، محلّه را متعلق به خود دانسته و در آن احساس امنیت می کنند. همچنین شبکه های زیادی از ارتباطات متقابل میان افراد شکل می گیرد. افزایش ظرفیت



شکل ۵. جابه جایی مسئولیت و وظایف بین حکومت و اجتماع محلی (ماخذ: حاجی پور، ۱۳۸۵)

از جمله شهرداری ها است. نظریه های گوناگونی در مورد مشارکت مردم در طرح های توسعه شهری عنوان گردیده است از جمله ساموئل پل (1988)، وایدمان و فمرز (1993)، پرتی (1994) و طالب (1998)، اما مهمترین نظریه هایی که در این پژوهش ملحوظ گردیده اند عبارتند از:

نظریه شری ارنشتاین: به سال ۱۹۶۹ نظریه مشارکت شهروندان توسط شری ارنشتاین با تعبیر قدرت شهروندی به کار گرفته شد که از آن به عنوان نردبان ۸ مرحله ای مشارکت استفاده گردید که به سه سطح: محرومیت از مشارکت، مشارکت جزئی و قدرت شهروندان تقسیم می شود (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰).

نظریه جیمز میجلی: این نظریه در مورد مشارکت شهروندان به سال ۱۹۸۶ توسط جیمز میجلی بر اساس پاسخ دولت به مشارکت مطرح گردید که به چهار سطح: ضد مشارکت، مشارکت هدایت شده، مشارکت فزاینده و مشارکت واقعی تقسیم می شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳). نظریه گردونه مشارکت دیوید سون: این نظریه به سال ۱۹۹۸ توسط دیوید سون مطرح گردید که مشارکت را به چهار سطح: اطلاع رسانی، مشاوره، مشارکت و توانمند سازی طبقه بندی نموده است (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰).

البته نظریه دیوید سون بیش از همه مرتبط با موضوع مورد بحث است زیرا هدف اصلی مشارکت مردمی در بهسازی و ساماندهی محلات، علاوه بر آگاهی و اطلاع رسانی به ساکنان، توانمند کردن آنها در بازسازی، بهسازی و نوسازی بافت می باشد.

اصول و ارزش های اولیه مشارکت

جهت انجام فعالیت های مشارکتی و حتی فراتر از آن به منظور مقبولیت مشارکت در یک جامعه در قالب نظام اجتماعی، یک سری اصول و ارزش هایی به عنوان پیش شرط های مشارکت مورد نیاز است. در درجه اول سازمان های دولتی و مدیریتی حاکم به عنوان متولیان

جامعه باید پذیرای ضوابط و پیش شرط هایی باشند که در صورت عدم اعتقاد آنها به امر مشارکت، تمامی فرآیندهای مشارکتی کردن جامعه توسط محیط های دانشگاهی، پژوهشی به صورت گزارشات، تحقیقات و مقالات مکتوب اجرا نشده باقی می ماند و عملاً بی فایده است. پیش شرط هایی که باید نزد نهادهای مدیریتی جامعه مورد قبول واقع شوند عبارتند از:

- صاحب حق دانستن شهروندان و اصالت قائل شدن برای خواسته ها و نظرات آنها؛

- اعتقاد به برابری مردم و ارزشمند بودن ذات انسانی فارغ از نژاد، قومیت، مذهب، جنس و زبان؛

- تخصیص منابع اداری، مالی، انسانی برای جلب مشارکت مردم و بهره مندی از مزایای آن؛

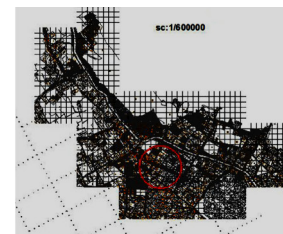
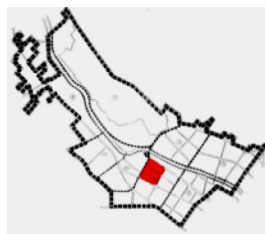
- داشتن اعتقاد راسخ بر اینکه برای اداره یک کشور، اجتماع یا محله، بهترین راه، جلب مشارکت مردم و برآوردن نیازهای آنان است.

اصولی که باید نزد افراد جامعه مقبول واقع گردد عبارت است از:

- هویت اجتماعی، محلی و قومی - احساس مسئولیت در قبال منافع فردی و اجتماعی - موثر و مفید دانستن مقوله مشارکت - پذیرش اصل برابری مردمان.

معیارهای سنجش میزان مشارکتی بودن طرح

در پژوهش های مرتبط با برنامه ریزی و طراحی شهری و همچنین طرح های ساماندهی مناطق غیر رسمی، سخن از مشارکت بسیار آمده است، با این وجود راه های موثر بر سنجش مشارکت در فرآیند تهیه و اجرای طرح ها هنوز تا حدودی مبهم و ناکافی است (عبدی و همکاران، ۱۳۸۸). برای این منظور در اینجا مهم ترین معیارهایی که می توانند میزان مشارکتی بودن طرح را مشخص کنند، طبقه بندی شده است. **دامنه مشارکت:** این مسئله که شهروندان تا کجا اجازه دارند در طرح ها مشارکت نمایند، در ارزیابی طرح ها بسیار مهم است. اگر مشارکت،



شکل ۶. موقعیت محله باغشاه در شیراز
شکل ۷. تقسیمات شهری در محدوده منطقه ۶ (مرز منطقه و نواحی)
شکل ۸. دسترسی ها

مطالعه موردی : ممله باغشاه شیراز

موقعیت و وسعت

منطقه باغشاه از شمال به خیابان کریمخان زند، از جنوب به خیابان قصر الدشت، از شرق به خیابان باغشاه و از غرب به خیابان ملاصدرا محدود می شود و وسعت محدوده ۱۷ هکتار است. (شکل ۶ و ۷ و ۸)

ویژگی های اجتماعی

براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن انجام گرفته به سال ۱۳۸۵، جمعیت شهرشیراز در این سال بالغ بر ۱،۲۱۴،۸۰۸ نفر بوده که از این تعداد ۶۱۳،۸۳۰ نفر مرد و ۶۰۰،۹۷۸ نفر زن بوده است. همچنین تعداد خانوارهای ساکن این شهر، ۳۱۵،۷۲۵ خانوار بوده که این تعداد در سال ۱۳۸۸ به ۱،۴۵۵،۰۷۳ افزایش پیدا کرده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

منطقه مورد مطالعه قلب تجاری شهر به شمار می رود و واجد بافتی فشرده، منسجم با هویت کالبدی مشخص در کل مجموعه است که تراکم جمعیتی بالایی دارد. (جدول ۱)

پرسش مستقیم و سوال در قالب پرسشنامه بین ۱۰۰ نفر از ساکنین انجام گرفت. در شکل ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ مشخصات جامعه آماری

فقط در اجرای طرح صورت گیرد، بدون اینکه در تهیه و بررسی طرح، اختیاری به شهروندان داده شود و در واقع مردم در اجرای طرحی که از قبل تکلیفش معلوم است، مشارکت کنند، آن پروژه در ردیف مشارکت غیر فعال یا شعاری قرار می گیرد. اگر مشارکت در برنامه ریزی باشد، طرح در گروه مشارکت محدود و چنانچه مشارکت در هدف گذاری و تصمیم گیری نیز وجود داشته باشد، طرح به مشارکت واقعی یا تسهیم در قدرت نزدیک می گردد.

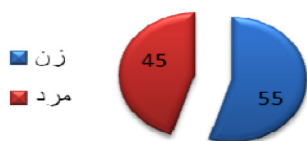
نظر خواهی از شهروندان: در طرح های مشارکت غیر فعال یا شعاری، هیچ گونه نظر سنجی از شهروندان صورت نمی گیرد اما در طرح های مشارکت محدود و واقعی نظر خواهی، صورت می گیرد.

حق اعتراض به طرح: در طرح های مشارکت شعاری، ساز و کاری برای اعتراض شهروندان به طرح وجود ندارد و اساساً این حق به مردم داده نمی شود اما در طرح های مشارکت محدود و واقعی شهروندان حق اعتراض به طرح را دارند و ساز و کار این اعتراض نیز مشخص است.

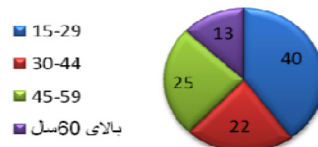
نظارت شهروندان: در طرح های مشارکت شعاری و محدود، نظارت شهروندان بر طرح وجود ندارد اما در طرح های تسهیم در قدرت، ساز و کار نظارت شهروندان مشخص گردیده است.

جدول ۱. جمعیت در ناحیه ۴ (محدوده بالا دست محله مورد مطالعه) (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)

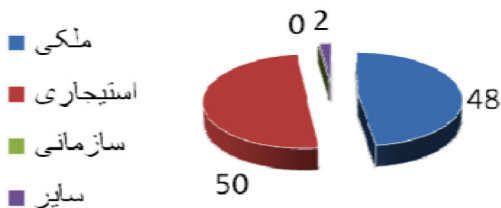
ناحیه	تعداد محلات	سطح (هکتار)	درصد از کل منطقه	جمعیت ساکن	تراکم ناخالص	سطح مسکونی (هکتار)	تراکم خالص	سرانه مسکونی
۴	۳	۲۶۱	۱۰/۴	۲۵۰۹۰	۹۵	۱۴۶	۱۶۹	۵۹



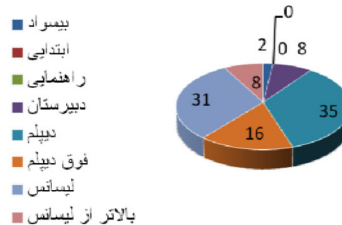
شکل ۱۰. جنس



شکل ۹. سن



شکل ۱۲. وضعیت مالکیت مسکونی



شکل ۱۱. میزان تحصیلات

جدول ۲. نحوه استفاده از اراضي (مرکز آمار ايران، ۱۳۸۵)

سرانه	درصد	مساحت	نوع کاربري
۵/۴۱	/ ۶/۸۳	۱۶۷۳۸/۷	اداري
۰/۲۱	/ ۰/۲۶	۶۵۸/۲	درماني
۰/۱۸۶	/ ۱/۹	۲۶۸۳	تجاري - مسكوني
۱/۱۸	/ ۱/۵۰	۳۶۶۹	تجاري - مطب
۰/۱۹	/ ۰/۲۴	۶۱۳/۱	مسكوني - مطب
۲۹/۴	/ ۳۷/۱۳	۹۰۸۸۷/۱۷	مسكوني
۵/۹۲	/ ۷/۵	۱۸۳۵۳/۷۴	در حال ساخت
۱/۸۷	/ ۲/۳	۵۷۹۷/۱	آموزشي
۵/۰۶	/ ۶/۳۸	۱۵۶۳۷/۸	تجاري
۱/۸	/ ۱/۳۷	۳۳۵۹/۵	زمين باير
۰/۹۳	/ ۱/۱۹	۲۹۰۱/۹	فرهنگي
۶/۸۱	/ ۸/۶۰	۲۱۰۶۸	باغ
۰/۲۷	/ ۰/۳۵	۸۵۹	مطب
۰/۶۴	/ ۰/۸۱	۱۹۹۴/۷	تخريبي
۱۹/۳۷	/ ۲۴/۲۹	۵۹۸۷۲/۱۴	راه ها

از پايين به بالا بسيار مهم است. با توجه به اين نکته، در محدوده مورد نظر علاوه بر تحليل هاي کارشناسانه، بررسي نظرات مردم نيز اهميت به سزايي دارد. جمع آوري نظرات کمک مي کند مشخصه هاي محدوده از ديد مردم نيز مورد بررسي قرار گيرد تا ميزان مشارکت مردم در پايداري سنجيده شود. علاوه بر سنجش ميزان مشارکت مردم، نقاط قوت و ضعف محله از ديد افراد بومي تا حد زيادي به انجام تحليل درست، باري مي رساند. سوالاتي با هدف سنجش ميزان تمايل مردم براي اقدامات زمينه اي که در راستاي نيل به پايداري انجام مي گيرد مطرح گرديد تا ميزان «حس تعلق مکان» و حساسيت مردم به محله شان آزمون شود.

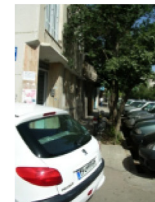
نمايش داده شده است و در شکل ۱۳ در قالب تصاوير، مشکلات زيست محيطي و اجتماعي محله نمايش داده شده است.

ويژگي هاي کالبدي

کل مساحت محدوده حدوداً ۱۷ هکتار است که ۹ هکتار را (۳۷/۱۳ درصد) منطقه مسكوني و ۵/۹ هکتار معادل ۲۴/۲۹ درصد را شبکه معابر به خود اختصاص داده است. سرانه کاربري مسكوني ۲۹/۴ متر مربع است (جدول ۲). نقشه کاربري ها و کيفيت ابنيه و همچنين منظر معابر در شکل هاي ۱۴، ۱۵ و ۱۶ ارائه گرديده است.

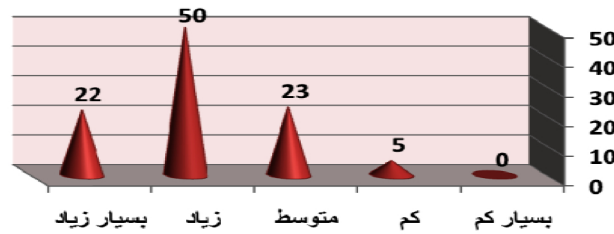
ويژگي هاي مشارکت ساکنان

در محلات پايدار، نقش مشارکت مردمی در پايداري محله و حرکت



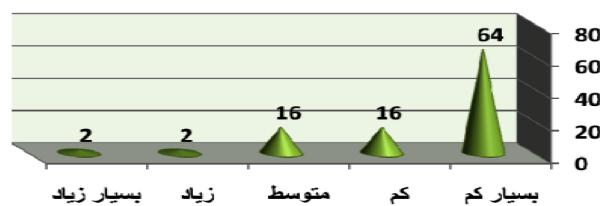
شکل ۱۳. مشکلات زيست محيطي و اجتماعي

«چقدر از زندگی در محل رضایت دارید؟» (شکل ۱۹) / ۵۰ / زیاد، ۲۳ / متوسط، ۲۲ / بسیار زیاد و تنها ۵ / کم



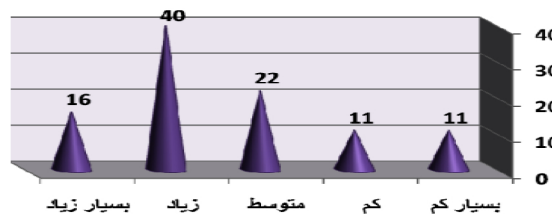
شکل ۱۹. رضایت از زندگی در محل

«تا چه حد مایل به ترک محل هستید؟» (شکل ۲۰) / ۶۴ / بسیار کم، کم و متوسط ۱۶ / و زیاد و بسیار زیاد ۲ /



شکل ۲۰. تمایل به ترک محله

«چقدر مایل به گفتن محل زندگی خود به دیگران هستید؟» (شکل ۲۱) / ۴۰ / زیاد، ۲۲ / متوسط، ۱۶ / بسیار زیاد و ۱۱ / هم کم و بسیار کم

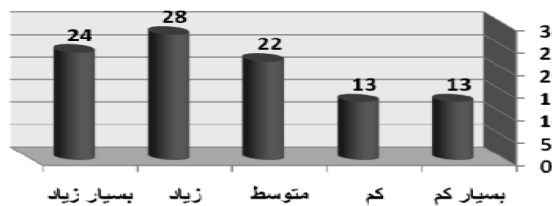


شکل ۲۱. تمایل به گفتن محل زندگی خود به دیگران

اجتماعی» انجام شد که اهمیت بعد اجتماعی را پررنگ نمود. این پرسش و پاسخ ها، فضای اجتماعی محله را روشن تر می کند. با مدد گرفتن از آنها میزان آمادگی مردم محله برای احیا و تبدیل به یک محله پایدار ارزیابی شد. سوالات با هدف درک «امنیت اجتماعی - روانی» محله طرح گردید:

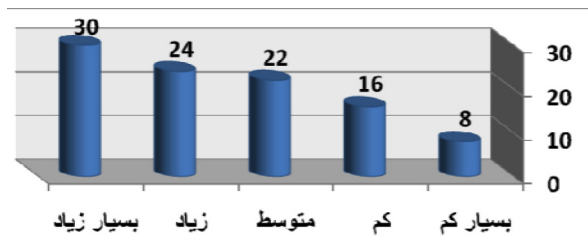
از یافته ها چنین برمی آید ساکنین نسبت به محله خود احساس تعلق خاطر دارند اما برای اقدامات زمینه ای که در راستای نیل به پایداری انجام می گیرد آمادگی چندانی ندارند. در راستای تکمیل مطالعات بعد اجتماعی محله، پرسش هایی از مردم در ۲ قالب «امنیت اجتماعی - روانی» و «همبستگی

" چه میزان نسبت به بازی بچه ها در محله بدون حضور والدین احساس نگرانی می کنید؟ (شکل ۲۲) / ۲۸ / زیاد، ۲۴ / بسیار زیاد، ۲۲ / متوسط، ۱۳ / کم و بسیار کم



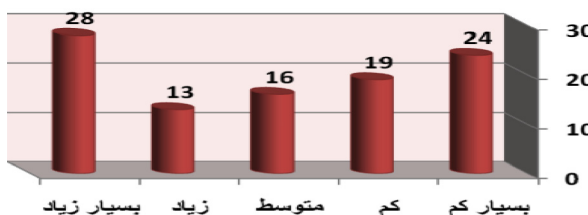
شکل ۲۲. نگرانی نسبت به بازی بچه ها

«چه میزان نسبت به پارک اتومبیل خود خارج از منزل به ویژه در شب احساس نگرانی می کنید؟» (شکل ۲۳) ۳۰ / بسیار زیاد، ۲۴ / زیاد، ۲۲ / متوسط، ۱۶ / کم و ۸ / بسیار کم



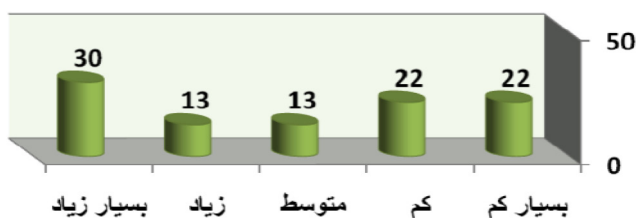
شکل ۲۳. نگرانی نسبت به پارک اتومبیل

«چه میزان نسبت به رفت و آمد پیاده کودکان به دبستان محله نگرانید؟» (شکل ۲۴) ۲۸ / بسیار زیاد، ۲۴ / بسیار کم، ۱۹ / کم، ۱۶ / متوسط و ۱۳ / زیاد



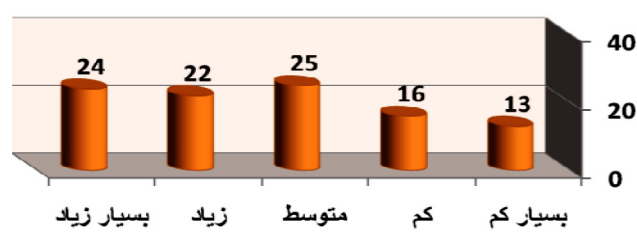
شکل ۲۴. نگرانی نسبت به رفت و آمد کودکان

«در مسافرت ها تا چه حد نگران دستبرد به منزلتان هستید؟» (شکل ۲۵) ۳۰ / بسیار زیاد، ۲۲ / کم و بسیار کم، ۱۳ / زیاد و متوسط



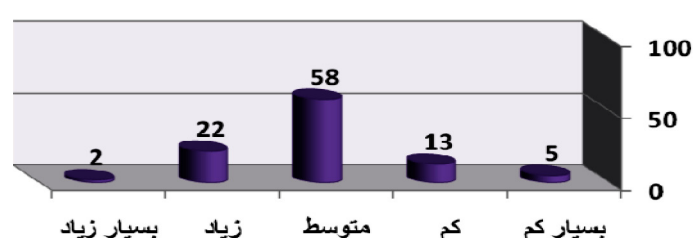
شکل ۲۵. نگران دستبرد به منزلتان در سفرها

«تا چه حد نسبت به پیاده روی در محله به ویژه در هنگام تاریکی هوا احساس نگرانی می کنید؟» (شکل ۲۶) ۲۵ / متوسط، ۲۴ / بسیار زیاد، ۲۲ / زیاد، ۱۶ / کم و ۱۳ / بسیار کم



شکل ۲۶. نگرانی نسبت به پیاده روی در هنگام تاریکی هوا

«تاچه اندازه به هم محلی های خود اعتماد دارید؟» (شکل ۲۷) ۵۸ / متوسط، ۲۲ / زیاد، ۱۳ / کم، ۵ / بسیار کم و ۲ / بسیار زیاد

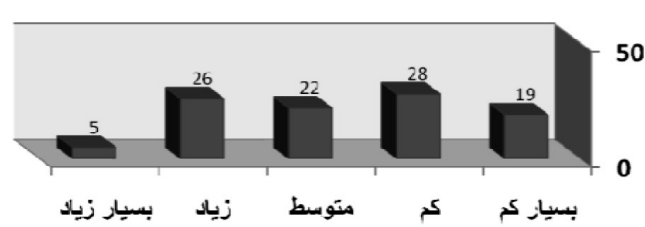


شکل ۲۷. اعتماد به هم محلی ها

ساماندهی گردد، تا حد زیادی این وضعیت نامناسب اجتماعی بهبود می یابد. ساماندهی وضعیت اجتماعی، از اهداف محله پایدار می باشد. سوالات با هدف درک «همبستگی اجتماعی» محله طرح گردید:

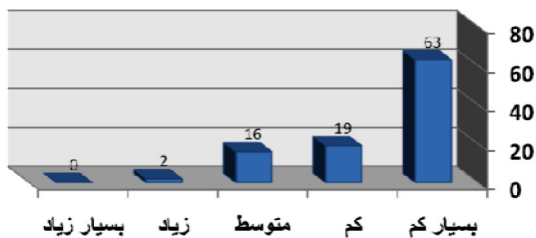
ساکنین با وجود اطمینان به هم محلی ها اما به دلیل جمعیت زیاد منطقه و تردد بیش از حد خودروها، از آن آرامش و امنیت اجتماعی که باید، برخوردار نیستند، در این راستا چنانچه وضعیت خودروهای منطقه

«همسایگان خود را چقدر می شناسید؟» (شکل ۲۸) ۲۸ / کم، ۲۶ / زیاد، ۲۲ / متوسط، ۱۹ / بسیار کم و ۵ / بسیار زیاد



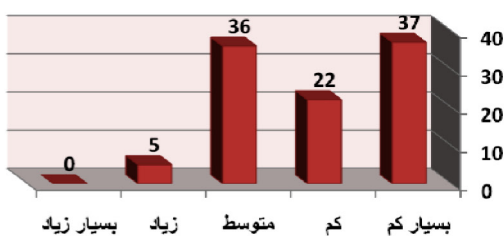
شکل ۲۸. شناخت نسبت به همسایگان

«با همسایگان چقدر رفت و آمد دارید؟» (شکل ۲۹) ۶۳ / بسیار کم، ۱۹ / کم، ۱۶ / متوسط و ۲ / زیاد



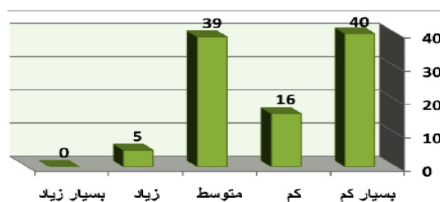
شکل ۲۹. رفت و آمد با همسایگان

«تا چه حد میل به مشارکت در حل مشکلات خانوادگی افراد محل دارید؟» (شکل ۳۰) ۳۷ / بسیار کم، ۳۶ / متوسط، ۲۲ / کم و ۵ / زیاد



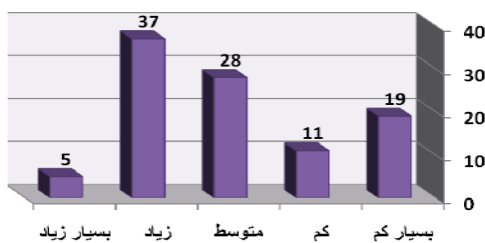
شکل ۳۰. میل به مشارکت در حل مشکلات خانوادگی افراد محل

«تا چه حد میل به مشارکت در حل مشکلات مالی افراد محل دارید؟» (شکل ۳۱) ۴۰ / بسیار کم، ۳۹ / متوسط، ۱۶ / کم، ۵ / زیاد



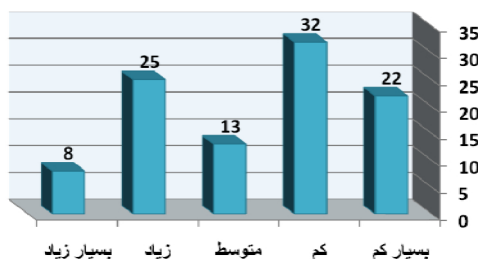
شکل ۳۱. میل به مشارکت در حل مشکلات مالی افراد محل

«تا چه حد حاضر به حمایت از افراد محل در برابر معترضین غریبه هستید؟» (شکل ۳۲) ۳۷ / زیاد، ۲۸٪ متوسط، ۱۹ / بسیار کم، ۱۱ / کم و ۵ / بسیار زیاد



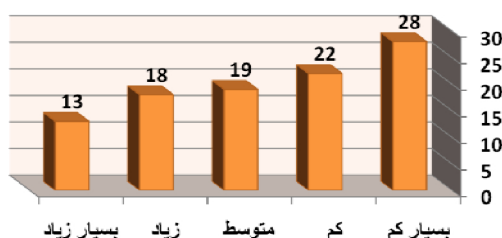
شکل ۳۲. حمایت از افراد محل در برابر معترضین غریبه

«تا چه اندازه افراد غریبه را از اهالی محل تشخیص می دهید؟» (شکل ۳۳) ۳۳ / کم، ۲۵ / زیاد، ۲۲ / بسیار کم، ۱۳ / متوسط و ۸ / بسیار زیاد



شکل ۳۳. تشخیص افراد غریبه از اهالی محل

«تا چه میزان مایل به شرکت در برنامه های گروهی و عمومی، فرهنگی، تفریحی در محل هستید؟» (شکل ۳۴) ۲۸ / بسیار کم، ۲۲ / کم، ۱۹ / متوسط، ۱۸ / زیاد و تنها ۱۳ / بسیار زیاد



شکل ۳۴. تمایل به شرکت در برنامه های گروهی در محل

جدول ۳. تطبیق معیارهای مشارکت با محله مورد نظر

اجرای طرح	تهیه طرح	تصمیم گیری	هدف گذاری	دامنه مشارکت
مشارکت محدود	مشارکت فعال	مشارکت محدود	مشارکت فعال	مشارکت
هنوز انجام نشده	انجام شده است	انجام نشده است	انجام شده است	نظر خواهی از شهروندان
به صورت محدود	به صورت محدود	بدون حق اعتراض	بدون حق اعتراض	حق اعتراض به طرح
وجود دارد	وجود داشته است	وجود ندارد	وجود ندارد	نظارت شهروندان

تطبیق پارچوب های نظری تمقیق با ممله

چهار معیار برای سنجش میزان مشارکتی بودن طرح وجود دارد که تطبیق چهار معیار با میزان تمایل و علاقه ساکنان به مشارکت در جدول ۳ ارائه گردیده است:

بر اساس جمع بندی جدول ۳، مشارکت فعال ساکنان در تهیه طرح تنها از طریق تشکیل گروه های همکار و برداشت کالبدی و مصاحبه نمونه ای صورت گرفته است. هر چند در تهیه طرح و هدف گذاری، تنها از طریق جامعه نمونه نقطه نظرات ساکنان منعکس گردیده است و

در مجموع چنین استنباط می شود همبستگی اجتماعی چندانی در بین ساکنین وجود ندارد و البته چندان هم دور از انتظار نبوده است. با گسترش شهرها و سکونت افراد به دلایل گوناگون در نقاط مختلف شهرها، نمی توان آن همبستگی که قبلا در محلات ایرانی وجود داشت را امروزه در هیچ نقطه ای انتظار داشت، اما می توان با مشارکت افراد مسئول موجود و ارتقا مسئولیت پذیری مردم و احیا انسجام خانواده ها، محله را به سوی پایداری سوق داد چرا که دستیابی به محله پایدار فرآیندی در گرو همبستگی اجتماعی است.

از مصاحبه و تشکیل جلسات با کلیه ساکنان به دلایلی از جمله فقدان امکانات مالی و زمان خودداری شده است.

نتیجه‌گیری

مشارکت شهروندان که به معنای حضور همه جانبه مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری است، متفکرین بسیاری را به فکر و داشت که نظرات متفاوتی را در زمینه مشارکت مردم در طرح‌های توسعه شهری مطرح کردند که شاید مهمترین آنها، نظریه نردبان ۸ مرحله‌ای مشارکت شهری ارنشتاین با تغییر قدرت شهروندی است. در همه نظریات مطرح شده، به اصول و ارزش‌های اولیه مشارکت که باید نزد نهادهای مدیریتی و افراد جامعه مقبول واقع گردد اشاره شده و معیارهایی از جمله دامنه مشارکت، نظرخواهی از شهروندان، حق اعتراض به طرح و نظارت شهروندان برای سنجش میزان مشارکتی بودن طرح تعیین گردیده است.

ایران هیچ سابقه‌ای در به مشارکت گرفتن مردم در تصمیم‌گیری درباره محیط زندگی خود و چگونگی آن ندارد و هم مردم و هم مسئولان با اصول و مبانی این روش‌ها بیگانه‌اند و لاجرم در برابر آن مقاومت نشان می‌دهند. مسئولان مردم‌را صاحب صلاحیت نمی‌دانند و مردم نیز مسئولیت را تنها برعهده شهرداری‌ها می‌دانند. بادر نظر گرفتن چارچوب نظری و معیارهای سنجش، میزان مشارکت ساکنان در طرح بهسازی محله باغشاه مورد بررسی قرار گرفت و این نکته مهم روشن شد که عوامل متعددی موجب عدم تمایل مشارکت ساکنان در تهیه طرح‌های بافت فرسوده می‌شود. تنها ۳۰ درصد از ساکنان پرسشگری شده، تمایل به مشارکت در طرح و شرکت در برنامه‌های گروهی را نشان دادند. از این ۳۰ درصد مشتاق، ۲ درصد نوع مشارکت خود را مساعدت مالی و ۲۳ درصد هم‌فعالیت بدنی در راستای بهبود وضعیت اعلام نموده‌اند که در مجموع نشان از عدم تمایل ساکنان به مشارکت در طرح است.

عواملی که موجب عدم تمایل ساکنان به مشارکت در طرح بهسازی و ساماندهی محلات می‌شود به شرح زیر است:

- عدم وجود سابقه موفق در این زمینه در کشور
- عدم ارائه آموزش‌های لازم در امور مربوط به مشارکت قبل از انجام هر اقدام محلی توسط سازمان‌های ذیربط؛
- عدم اعتماد ساکنان به طرح‌ها و برنامه‌های تعیین شده از سوی دست‌اندرکاران مسائل شهری؛
- عدم اطمینان ساکنان از تقسیم سود حاصله به نسبت یکسان بعد از مشارکت و اجرای طرح بین ساکنان و شهرداری

در انتها چنین برداشت می‌شود که برای حضور هر چه بیشتر کاربران و تشویق آنان به مشارکت جمعی باید به خواسته‌ها و نظراتشان توجه شود. با بررسی اصول مطالعات شهری، شهرهای سنتی گذشته و نیز شهرهای پایدار امروزی، وجود مرکزی به منظور افزایش تعاملات اجتماعی و رفع کمبودهای موجود، پاسخ مسئله دانسته می‌شود. کاربران با حضور پررنگ خود علاوه بر تعامل در حل مشکلات، موج‌پویایی نیز در جامعه ایجاد می‌کنند. در این مراکز علاوه بر ایجاد کارگاه‌های جمعی، با تشکیل شوراهای همیاری محلی، نه تنها مشکلات در بافت‌های شهری و محلات توسط خود ساکنین به صورت عمقی، ریشه‌یابی می‌شود بلکه مسئولیت شهرداری‌ها، شوراهای شهر و نمایندگان منتخب مردم نیز کمتر می‌شود و بهتر می‌تواند به عملکردهای اجرا شده رسیدگی کنند.

پی‌نوشت‌ها

1.Habitat

فهرست مراجع

۱. ازکیا، مصطفی؛ و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران. تهران: نشر نی.
۲. اصانلو، حسن. (۱۳۹۰). مرمت شهری و باززنده‌سازی کانون‌های اجتماعی و آسیب‌شناسی در بافت تاریخی محله جلفای اصفهان. نشریه هویت شهر، (۹)، ۱۷-۲۷.
۳. حاجی‌پور، خلیل. (۱۳۸۵). برنامه ریزی محله-مینا: رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار. نشریه علمی و پژوهشی هنرهای زیبا، (۲۶)، ۳۷-۴۷.
۴. شریفیانی‌ثانی، مریم. (۱۳۸۰). فرهنگ شهری: مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری. مجله مدیریت شهری، (۸)، ۴۲-۵۵.
۵. شیرانی، حسین. (۱۳۸۲). ساماندهی مکان. تهران: نشر دانش آفرین.
۶. عبدی، برهان؛ و سلطانی، علی؛ و بذرگر، محمدرضا؛ و امجدی، جبار. (۱۳۸۸). ارائه راهکارهای جلب مشارکت ساکنان مناطق اسکان غیر رسمی (در فرآیند تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری). نشریه هویت شهر، (۴)، ۷۱-۸۲.
۷. عزیزی، محمد مهدی. (۱۳۸۰). توسعه پایدار شهری: برداشت و تحلیلی از دیدگاه‌های جهانی. فصلنامه علمی-پژوهشی صفا، (۳۳)، ۱۴-۲۷.
۸. مفیدی شمیرانی، سید مجید. (۱۳۸۳). محله شهری بوم‌گرا، طراحی شهری متقارن. همایش علمی-کاربردی توسعه محله‌ای: چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران. ۱۵-۱۹ اسفند، تهران.
۹. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ به تفکیک سن. درگاه ملی آمار ایران. بایگانی‌شده از نسخه اصلی در ۱۸ نوامبر ۲۰۱۲. بازبینی‌شده از سایت <http://www.eshiraz.ir/main/>

15. Mabogaunje, A. (1996). Planning Paradigm in the Context of a Newly Emerging State-Society Relations. Keynote Paper at Expert Panel Meeting on Capacity-Building and HIS in the Post Habitat. II: HIS. Institute for Housing and Urban Development Studies, Rotterdam, 3(4).
16. Oana, J.R. (2001). *A Community-based Approach for Sustainable Urban Renewal in Manila* in website www.csur.t.u-tokyo.ac.jp/ws2004/papers/B6-Oana.pdf. (Accessed 2 April 2012)
17. Osborne, D., Gaebler, T. (1993). *Reinventing Government: How The Entrepreneurial Spirit is Transforming the Public Sector*. Plume: Penguin Books, USA.
10. Alberley, D. (2003). *Power is Held by Those Who Tell the Story. The Principles and Practice of Community-based Planning* in www.ius.uwinnipeg.ca. (Accessed 23 March 2012)
11. Agenda 21 on sustainable construction, (1998). Agenda 21, United Nations, New York, USA, <http://www.un.org/esa/dsd/agenda21/> (Accessed 8 April 2012).
12. Drakakis, S.D. (1995). Third World cities: Sustainable urban development. *Urban Studies*, 32(4), 659-678.
13. Elkin, T., McLaren, D., & Hillman, M. (1991). *Reviving the City*. London: Friends of the Earth.
14. Fridman, J. (1993). *Toward a Non-Euclidian Mode of Planning*. *JAPA Journal*, 59(4), 482-485.

fa/index در ۴ ژوئیه ۲۰۱۲.

Generally The purpose of this research is study on the interested of Baghshah community residents in the preparation and implementation of improvements and upgrading the quality of life of residents in this context to suggesting guidelines to attracting citizen participation, as one of the most important requirements for achieving a sustainable neighborhood and social sustainability of neighborhoods in each city.

Keywords: Sustainable Development , Social Sustainable , Shiraz, Citizen participation.

Citizen Participation; The Key to Social Sustainable Development in Urban Communities

(Case Study: Baghshah community in Shiraz)

Nahal Eghtesadi *, Young Researchers and Elites Club, Beyza Branch, Islamic Azad University, Beyza, Iran

Abstract

Urban communities Revitalizing and strengthen of the three dimensions of sustainability, is one of the main strategies to achieve urban sustainability. A sustainable neighborhood need its users to achieve vitality and life quality. So far the main focus of the organization, improvement or reconstruction urban areas plans in Iran, were mostly concentrated around the physical renewal of the urban patterns and residents of this communities, as the main targets, have been completely ignored.

Actualizing of the Sustainable Development can also be possible in the form of neighborhood development when we talk about the neighborhood as a live cell. Consequently, having a sustainable city requires the sustainable internal particles, i.e. sustainable urban zones whose general principles are foresight, environment, equality, and cooperation and complementary features are its consequence such as balance, density and optimized compression, combination of uses and social classes, public transportation, access to green space, locality, and cooperation between city and neighborhood.

Due to citizens disregarding role, their culture and social customs, the plans which are not adapted to life style of residents will be prepared, even if the plans were applicable, they will lead to widespread residents discontent. Now the question is " Why public spaces does not design concerning with people participations to diminish such feedbacks? What is the administrative problems of such projects, especially in Iran?

In this regard, Baghshah community as a case study in Shiraz has been chosen. Research methods is descriptive – analytic by field survey and asking people by filling the questionnaire and concentrate on social, demographic, physical surveying and analyzing the communities resident's image.

Considering the theoretical framework and criteria; an important point became clear that several factors causes to the unwillingness of residents participations in the urban fabric plans.

The results shows that Only 30 percent of residents has a willingness to participate in the urban project and participate in the team work plans. 2% to 30% of these enthusiastic participation, report that they will participate in financial participation and the rest of them, agree to physical participation. So the Results shows the unwillingness of residents to participation in the plans.

Factors that led to unwillingness to participation in the development and organization of communities residents is as follows:

- 1) the lack of successful experience in this field in Iran
- 2) failure to provide necessary training to participation in matters before any local action by relevant organizations
- 3) lack of trust of residents to plans and programs set by those involved in urban issues
- 4) failure to ensure people that the participation of residents and between residents and municipal projects in the same proportion of the profits to be divided.

* Corresponding Author: Email: Nahal.Eghtesadi@fsriau.ac.ir